

عنوان مقاله:

کیفرگذاری دولتی در پرتو رهیافتی دولت پژوهانه در ایران معاصر

محل انتشار:

فصلنامه دولت پژوهی، دوره 8، شماره 30 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

مهرداد رایجیان اصلی - استادیار حقوق پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

کیفرگذاری، به معنای وضع و پیش بینی ضمانت اجرای جرم در قانون از سوی دولت (کیفرگذاری دولتی)، موضوع بحث در شاخه های گوناگون حقوق عمومی و علوم جنایی ست و حتی با قلمروهای مطالعاتی برون رشته ای نیز ارتباط دارد. از این میان، جرم شناسی و حقوق بشر، به مثابه دو قلمرو مطالعاتی درون رشته ای و برون رشته ای، و به منزله دو رشته مورد توجه و علاقه دولت ها، به عنوان دو پارادایم برگزیده برای مطالعه این مفهوم معرفی می شوند. ویژگی دولتی کیفرگذاری (که به مثابه مساله اصلی، با تعبیر "کیفرگذاری دولتی" در این مقاله معرفی می شود)، در واقع، اهمیت این دو پارادایم را در تحلیل این مفهوم می نمایاند. بر این اساس، مقاله پیش رو، با معرفی تعبیر «کیفرگذاری حقوق بشرنویاد»، نقش حقوق بشر در جرح و تعدیل انحصار حاکمیتی کیفرگذاری را بررسی می کند. هم چنین، دو جنبش لغو کیفرهای بدنی (به ویژه، اعدام) و محدودسازی کیفر سلب آزادی (با تاکید بر زندان)، به عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر کیفرگذاری دولتی، از دیدگاه جرم شناسی (به ویژه، جرم شناسی انتقادی در مقام به چالش کشیدن کیفرگذاری دولتی و انحصار حاکمیتی آن)، در مقاله تحلیل می شوند. این تحلیل، سرانجام با چشم اندازی، به ساختار حاکمیتی کیفرگذاری، در دورانی که آن را عصر قانون گذاری در ایران می نامند، گره زده می شود. مقاله نتیجه می گیرد که سامانه کیفرگذاری ایران، از بازتاب و تاثیر این دو جنبش، جدا نمانده است. ولی این سامانه، به ویژه در دوره پساانقلاب اسلامی، در برابر جنبش لغو کیفرگذاری بدنی، مقاومت سخت تری داشته است، در حالی که در برابر جنبش محدودسازی کیفر سلب آزادی، تا اندازه ای از خود، نرمش نشان داده است و این مساله می تواند نمایان گر یک سیاست دوگانه میل و اکراه حاکمیت (دولت ایران)، به هنجارهای بین المللی مربوط به حق ها و آزادی های بنیادی باشد.

کلمات کلیدی:

کیفرگذاری دولتی، کیفرهای بدنی، کیفر سلب آزادی، حقوق بشر، جرم شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1570505>

